



جنگ های هیبریدی و الگوی نوین نبردهای نظامی

■ علیرضا رضاخو

توانایی تداوم بقا مهمترین ملاک ارزیابی موفقیت و یا شکست محسوب می شود.

ج: جنگ های هیبریدی یا ترکیبی

جنگ هیبریدی، که گاهی از آن با عنوان عملیات های پیچیده، جنگ های کوچک، و یا جنگ های نامنظم نیز یاد می شود، بیانگر به کارگیری ترکیبی قابلیت های نیروهای نظامی متعارف به شیوه ای پیچیده و هماهنگ شده است. این نوع نبرد، شامل عواملی است که از تاکتیک ها و آرایش های نظامی گرفته، تا حملات نظامی و غیره را در بر می گیرد. جنگ های هیبریدی بر خلاف جنگ های نامتقارن و چریکی، به لحاظ عملیاتی رهبری شده و در میدان نبرد هماهنگ می گردد؛ بنابراین، این گونه نبردها مستلزم داشتن یک فرماندهی متمرکز و ساختار کنترل روند نبرد است و بنابراین می توان آن را تا اندازه ای یک نهاد به شمار آورد. بنابراین، طبیعی است که بیشتر بازیگران غیردولتی، از این گونه امکانات و شرایط برخوردار نیستند. می توان گفت که جنگ های هیبریدی در این چهار چوب، از تمامی ترفندهای آموزش داده شده در کتاب های کلاسیک نظامی بهره می برند و تاکتیک های نظامی و فناوری را با هم ترکیب کرده و در روش هایی جدید و غیرمنتظره به کار می گیرند. این گونه از نبرد، به لحاظ گزینش تاکتیک، تنها محدود به بازیگران غیردولتی و ضعیف نیست و به خودی خود نیز جدید به شمار نمی آید. در جنگ های هیبریدی آموزش و نظم نه در حد نیروهای کلاسیک است و نه همچون جنگ های چریکی و نامنظم بی قاعده. واحدهای نظامی در این نوع نبردها در اندازه یک گردان سازماندهی می شود و از یک فرماندهی نیمه متمرکز برخوردار می باشد. فرماندهی دسته ها و یگان های نظامی این توانایی را دارند تا در صورت نیاز به صورت مستقل عمل کنند. سلاح های مورد استفاده در این نوع جنگ ها مشابه سلاح های نبردهای نامنظم، ولی با قابلیت های بالاتر (موشک های دوربردتر، موشک های ضدتانک، سیستم های قابل حمل پدافند هوایی) است. البته بایستی تصریح کرد که جنگ های ترکیبی تنها به میدان نبرد محدود نیست. در یک تعریف جامع تر که توسط کنفرانس

در یک تقسیم بندی کلی در ادبیات نظامی جنگ های موجود در جهان را به ۳ دسته کلی تقسیم می کنند



الف: جنگ های منظم یا کلاسیک

در این دسته از نبردها که نبردهای متعارف میان کشورهای متخاصم را شکل می دهد، ارتش ها و نیروهای نظامی دو کشور با توجه به میدان نبرد از نیروهای ۳ گانه زمینی، هوایی و دریایی بهره می گیرند. این نوع جنگ ها از لحاظ سازماندهی دارای سلسله مراتب مشخص، برخوردار از یک آرایش نظامی تعریف شده و بزرگ، روی هم رفته دارای یک فرماندهی متمرکز و از لحاظ نفوذ دارای نیروی رزمی منظم و آموزش دیده است. در جنگ های منظم معمولاً از تمام ادوات نظامی، یگان های زرهی و توپخانه، پدافند هوایی پیچیده، موشک های بالستیک، نیروی زمینی منظم، نیروهای ویژه و... استفاده می شود. در جنگ های منظم هدف اصلی زمین است به بیان دیگر آن چه معیار پیروزی و شکست محسوب می شود توانایی حفظ مرزها و یا گسترش آن است.

ب: جنگ های نامنظم یا چریکی

دسته دوم جنگ ها، نبردهای نامنظم و چریکی می باشند که معمولاً یک یا دو طرف تخصص در این گونه نبردها بازیگران غیر دولتی، جنبش های مردمی و یا گروه های تروریستی هستند. در جنگ های نامنظم گروه های جنگنده از نظم و سلسله مراتب مشخصی تبعیت نمی کنند. برای نمونه مدل جنگ های گروه القاعده مدل نبردهای غیر منظم است. در این جنگ ها معمولاً نفوذ از آموزش بالایی برخوردار نمی باشند و گروه های جنگی از ساختاری سلولی برخوردارند. ساختار فرماندهی ساختاری غیر متمرکز بوده و تاکتیک های جنگی محصول خلاقیت های جنگجویان است. در این نوع نبردها بیشتر از سلاح های سبک، راکت انداز، خمپاره انداز و موشک های کوتاه برد استفاده می شود. بر خلاف جنگ های منظم که در آنها از دست دادن یا تصاحب زمین مولفه اصلی تعیین پیروزی است. در جنگ های نامنظم، تلفات جانی و مالی به دشمن و

طی دهه گذشته، ایالات متحده آمریکا همراه با متحدان بین المللی خود بر توان مقابله با تهدیدات نامنظم ناشی از بازیگران غیر دولتی تا حد بسیاری افزوده است. اما طی همین سال ها یک چالش متمایز علیه آمریکا و شرکای این کشور در نا تو و حتی دیگر کشورها به واسطه ترکیب جدیدی از حملات نامنظم به وجود آمده است؛ این چالش جنگ هیبریدی یا ترکیبی از ابزارهای متعارف، نامنظم و نامتقارن است. جنگ هیبریدی شامل استفاده یک بازیگر دولتی یا غیردولتی از همه ابزارهای در دسترس دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی، اقتصادی با هدف ایجاد بی ثباتی در کشور هدف است. در ادامه به بررسی چرایی جنگ های هیبریدی و نمونه های عملی آن می پردازیم؛